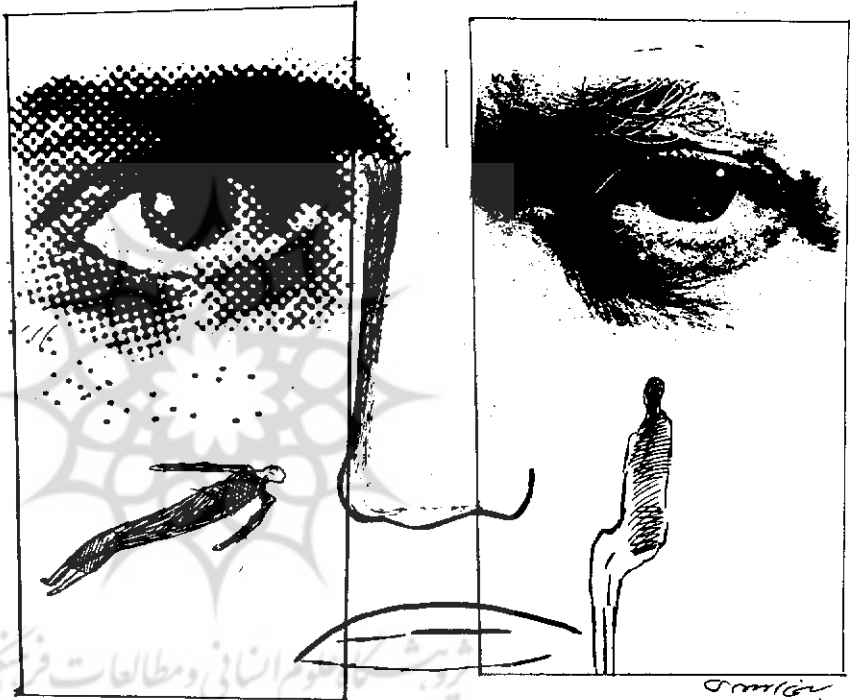


# تحلیل محتوای مقایسه‌ای اخبار منفی در روزنامه‌های غرب و جهان سوم

نویسنده: آنجو گراور چاودهری  
مترجم: مهدخت بروجرودی علوی

پوشش خبری دادن به اخبار خود غرب نیز به اخبار منفی توجه بیشتری دارند و از این نظر، بین کشورهای غربی و سایر کشورها تفاوتی قائل نمی‌شوند و ثانیاً، رسانه‌های جهان سوم نیز متقابلاً به اخبار منفی کشورهای غربی توجه بیشتری می‌کنند. سؤالی که در ذهن پژوهشگران نقش می‌بندد این است که آیا با در نظر گرفتن انتقادهای دیرین طرفداران نظم نوین جهانی اطلاعات، ثبت اخبار مربوط به درگیری‌ها و بحران‌ها عموماً کاهش یافته است و یا این‌که افزایش کلی در پوشش اخبار مثبت‌گرا هم در روزنامه‌های غربی و هم در روزنامه‌های جهان سوم به وجود آمده است.

باید اعتراف کرد که این بحث، موضوع تازه‌ای نیست. مطالعات زیادی در باب موضوع‌هایی نظیر نظم نوین اطلاعات، ارزش‌های خبری مورد استفاده روزنامه‌نگاران با تأکید بر محتوای منفی رسانه‌ها انجام گرفته است. به‌رحال، انبوهی از تحقیقات وجود دارد که به بررسی میزان پوشش خبری اخبار خارجی در رسانه‌های غربی و همچنین، کیفیت و کمیت اخبار جهان سوم که از طریق خبرگزاری‌های عمده بین‌المللی پخش شده است، می‌پردازد. اما مطالعات اندکی ماهیت محتوای روزنامه‌ها را مورد آزمون قرار داده است. مثلاً در مورد این‌که آیا محتوای روزنامه‌ها مثبت است یا منفی، مقایسه‌ای صورت نگرفته است. علی‌رغم این‌که منتقدان براین باورند که هم در روزنامه‌های غربی و هم در روزنامه‌های



از زمان پیدایی مباحثات مربوط به نظم نوین جهانی اطلاعات در مورد جریان بین‌المللی اخبار، رسانه‌های غربی به خاطر تأکید زیاد روی اخبار منفی کشورهای جهان سوم و نادیده گرفتن مسائل توسعه‌ای آنان، از سوی یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد)، حامیان نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات توسعه و رهبران جهان سوم مورد حمله قرار گرفته‌اند. در مقام دفاع از خود صاحب‌نظران رسانه‌های غربی به این نکات اشاره می‌کنند که اولاً، رسانه‌های غربی در

از زمان پیدایی مباحثات مربوط به نظم نوین جهانی اطلاعات، رسانه‌های غربی به خاطر تأکید آگاهانه و عمدی بر اخبار منفی کشورهای جهان سوم، مورد حمله قرار گرفته‌اند. این پژوهش درصدد است تا میزان جهت‌گیری رسانه‌های غربی و جهان سوم را در نحوه پوشش دادن به یکدیگر، مشخص کند. این تحقیق همچنین می‌کوشد تا نقش فرهنگ را در شناخت و انتخاب اخبار هر دو طرف از یکدیگر، مورد آزمون قرار دهد.

در این پژوهش، چهار روزنامه نخبه‌گرای انگلیسی‌زبان از کشورهای آمریکا، انگلیس، هند و نیجریه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جهان سومی تأکید زیادی بر اخبار منفی می‌شود.

علی‌رغم آگاهی محققان از اهمیت تحقیقات مقایسه‌ای، (آلن و همنت،<sup>۲</sup> ۱۹۹۵؛ مک لود و بلومبر،<sup>۳</sup> ۱۹۸۷؛ زو و همکاران،<sup>۴</sup> ۱۹۹۷) مخصوصاً در مورد محتوای اخبار، این‌گونه تحقیقات مورد کم‌لطفی قرار گرفته‌اند. (هستر،<sup>۵</sup> ۱۹۷۱؛ نوسو،<sup>۶</sup> ۱۹۷۶؛ رایف و شاو،<sup>۷</sup> ۱۹۸۲) اگر چه، روزنامه‌های غرب و جهان سوم به‌طور جداگانه در موارد بسیاری بررسی شده‌اند.

در عصر ارتباطات جهانی، از آنجا که مردم به‌طور مستمر در معرض ارتباطات بین‌المللی هستند، آزمون محتوای این اخبار، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، زیرا محتوای اخبار تأثیر شگرفی بر شناخت و درک مردم از جهان، می‌گذارد. همراه با روند روبه‌رشد جهانی شدن، نقش ارتباطات بارزتر از همیشه شده است و بسیاری از محققان بر لزوم پرداختن به مطالعات مقایسه‌ای در عصر تحولات سریع جهانی تأکید می‌کنند. (آلن و همنت،<sup>۸</sup> ۱۹۹۵؛ ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹)

«فرهنگ»، یکی از عوامل بسیار مهمی است که رابطه تنگاتنگی با آزمون محتوای اخبار بین‌المللی دارد. برای این که محققان به درک و شناخت صحیحی از اخبار سایر کشورها دست یابند، لازم است که به ارزش‌ها و محدودیت‌های فرهنگی این کشورها، آشنا باشند. نویسنده این مقاله هنوز به هیچ تحقیقی مقایسه‌ای در مورد اخبار بین‌المللی بر نخورده است که در آن عامل تنوع فرهنگی، لحاظ شده باشد.

این تحقیق از چند جهت با تحقیقات قبلی متفاوت است؛ اولاً، این یک پژوهش مقایسه‌ای است و ثانیاً، بین آنچه روزنامه‌نگار به عنوان خبر تعریف می‌کند و آنچه روزنامه چاپ می‌کند، تمایز قایل می‌شود و ثالثاً، این تحقیق ماهیت محتوای رسانه‌ها را از لحاظ مثبت یا منفی بودن، مورد سنجش قرار می‌دهد.

■ هدف اصلی این پژوهش مقایسه‌ای آن است که مشخص کنیم آیا رسانه‌های غربی در پوشش خبری خود از جهان سوم، مغرضانه‌تر عمل می‌کنند یا رسانه‌های جهان سوم در پوشش خبری خود از غرب. ■ برای این که محققان به درک و شناخت صحیحی از اخبار سایر کشورها دست یابند، لازم است که با ارزش‌ها و محدودیت‌های فرهنگی این کشورها، آشنا باشند.

سرمایه‌داری، کمونیستی و جهان سومی بررسی کرده، به عنوان یک پژوهش شاخص، مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش که عمدتاً پوشش اخبار خارجی را در نظام‌های مختلف مطبوعاتی بررسی کرده بود، به این نتیجه رسید که خبر به‌طور اتفاقی به جریان نمی‌افتد و در همه نظام‌های مطبوعاتی، اروپای غربی، بیش از سایر نقاط جهان پوشش خبری می‌گیرد. تحقیق شاخص دیگر در این زمینه متعلق به خانم سربرنی محمدی<sup>۳۳</sup> (۱۹۸۴) است. این طرح مقایسه‌ای بین‌المللی که به سفارش یونسکو انجام شد، تصویری را که رسانه‌های غربی از سایر کشورهای جهان ترسیم می‌کنند، به تصویر کشید. نتایج این تحقیق بر تفرق گزارش بحران‌های جهان سوم صحنه گذاشت. گونزن باخ<sup>۳۴</sup>، آران<sup>۳۵</sup> و استیونسون در پژوهشی که در مورد پوشش خبری سایر کشورها در سال ۱۹۹۲ انجام دادند، حدود ۱۰ هزار مطلب منتشر شده از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۹ را تحلیل محتوا کرده و به این نتیجه رسیدند که پوشش اخبار بین‌المللی از نظر جغرافیایی نامتعادل است و به اخبار تعارضات و فسادهای سایر کشورها نیز بیش از مسائل مشابه داخلی پرداخته می‌شود. با این وجود، عده‌ای با این نظر که اخبار بد، اخبار مسلط رسانه‌های غربی است، مخالفند و می‌گویند که روزنامه‌ها و تلویزیون اخبار بد را که حاصلی جز ناراحت کردن و افسرده کردن مردم ندارد، رد می‌کنند (آوگارتن<sup>۳۶</sup>، ۱۹۸۲؛ کراس<sup>۳۷</sup>،

چهارمین تفاوت این است که این پژوهش، عامل ارزش‌های فرهنگی را در نحوه پوشش خبری دادن به مردم، گروه‌ها، سازمان‌ها، ملت‌ها و حوادث، مدنظر دارد.

#### مروری بر ادبیات موضوع

به‌نظر اکثر منتقدان رسانه‌ها، مطالب مربوط به بلایای طبیعی، قتل و جنایت‌ها، فسادهای اخلاقی و مالی، بی‌نظمی‌ها، تصادفات، آتش‌سوزی‌ها، همراه با تصاویر تکان‌دهنده درباره ملت‌ها و افراد مشهور، عنوان‌های رایج در رسانه‌های غرب و جهان سوم هستند. (کارول و توگل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ چپرا<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۰؛ اپستاین<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۳؛ گیبیر<sup>۱۲</sup>، ۱۹۵۵؛ گروه رسانه‌ای دانشگاه گلاسکو<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۶؛ گرابر<sup>۱۴</sup>، ۱۹۷۹؛ هال،<sup>۱۵</sup> ۱۹۷۳؛ هارتونگ و استون<sup>۱۶</sup>، ۱۹۸۰؛ هسکینز<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۱؛ هسکینز و میلر<sup>۱۸</sup>، ۱۹۸۴؛ جاهینگ و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۱۹۸۱؛ ماوشارت<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۱؛ میشر<sup>۲۱</sup>، ۱۹۷۹؛ استون و گرو زین<sup>۲۲</sup>، ۱۹۸۴؛ واتن برگ<sup>۲۳</sup>، ۱۹۸۵؛ واین برگر<sup>۲۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۴) چندین مطالعه که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ صورت پذیرفته نشان می‌دهد که رسانه‌های غربی بر مشکلات سایر کشورها تأکید خاصی می‌کنند (گولدرنگ و الویت<sup>۲۵</sup>، ۱۹۷۴؛ هستر، ۱۹۷۱؛ لنت<sup>۲۶</sup>، ۱۹۷۷؛ استیونسون و گادی<sup>۲۷</sup>، ۱۹۸۴؛ سارترایان<sup>۲۸</sup>، ۱۹۷۷؛ ویسرو<sup>۲۹</sup> و همکاران، ۱۹۸۴؛ ویور و ویلهویت<sup>۳۰</sup>، ۱۹۸۱). گریتر<sup>۳۱</sup> و مروانی<sup>۳۲</sup> تحقیقی را در سال ۱۹۷۰ انجام دادند که نتایج آن در سال ۱۹۷۷ منتشر شد. این تحقیق که پوشش خبری ۶۰ روزنامه را در ۹ کشور

آنها بیشتر روی کارکرد خبر است تا روی ماهیت خبر (مارتین و چادهری، ۱۹۸۳). هدف اصلی «خبر» در کشورهای جهان سوم، آموزش عمومی و کمک به سازندگی جامعه (آگساروالا<sup>۵۲</sup>، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱؛ برید و والرا<sup>۵۳</sup>، ۱۹۸۵؛ مهتا<sup>۵۴</sup>، ۱۹۷۹؛ سارکار<sup>۵۶</sup>، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰؛ کیرال، ۵۷، ۱۹۸۵) و بنابراین، تأکید بر موفقیت، پیشرفت و توسعه است. به نظر بعضی از صاحب‌نظران، رسانه‌ها در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، ارزش‌های خبری غرب را اقتباس کرده‌اند (اینسلی<sup>۵۸</sup>، ۱۹۷۶؛ گلدینگ، ۱۹۷۷؛ کستر و ودل<sup>۵۹</sup>، ۱۹۷۷؛ تونستال، ۶۰، ۱۹۷۷). از این گذشته، روزنامه‌نگاران غربی تمایل به گزارش عینی و بی‌طرفانه رویدادها دارند، در حالی که روزنامه‌نگاران

■ **تناقض‌های آشکار در یافته‌های مطالعات موجود، اهمیت انجام تحقیقی فراگیر را گوشزد می‌کند. تحقیقی که در آن معلوم شود آیا اخبار رسانه‌ها می‌توانند به صلح و درک بین‌المللی کمک کنند و روابط بین‌المللی را بهبود بخشند.**

غربی و جهان سومی بیشتر تمایل به منفی بودن دارند؟

برای دادن پاسخی در خور به این سؤال، لازم است که بدانیم آیا روزنامه‌نگاران غربی و جهان سومی برداشت یکسانی از مفهوم «خبر» دارند یا نه.

روزنامه‌نگاران غربی، خبر را حسب

۱۹۸۳)، اخبار تلویزیون در صدد تثبیت وضع موجود است و بنابراین، طوری بحران‌ها را گزارش می‌کند که انگار موقتی و قابل حل است، (کونل، ۱۹۷۶<sup>۳۸</sup>؛ مرداک<sup>۳۹</sup>، ۱۹۷۳؛ اوبرشال<sup>۴۰</sup>، ۱۹۷۳) و نظم و سایر ارزش‌های خبری برای رسانه‌ها بسیار مهمتر از منفی‌گرایی است (گانز<sup>۴۱</sup>، ۱۹۷۶). بعضی از تحقیقات در مورد روزنامه‌ها به منفی‌گرایی کمتری رسیده‌اند (گسییر، ۱۹۵۵)، یا تعادل بین اخبار مثبت و منفی را گزارش کرده‌اند (سارتونگ و استون، ۱۹۸۰؛ هسکینز، ۱۹۸۰).

به‌طور خلاصه، اگر چه اکثر صاحب‌نظران بر این نکته اتفاق نظر دارند که پوشش خبری غرب از جهان سوم بسیار نامتناسب است و رسانه‌های غربی اخبار بحران‌ها، تعارضات و فجایع را بزرگ می‌کنند، بعضی مطالعات نشان داده‌اند که توجه به جهان سوم متعادل‌تر شده و پوشش خبری کشورهای جهان سوم کمتر بحران‌مدار هستند. تناقض‌های آشکار در یافته‌های مطالعات موجود، اهمیت انجام تحقیقی فراگیر و گسترده را گوشزد می‌کند. تحقیقی که در آن معلوم شود آیا اخبار رسانه‌ها می‌توانند به صلح و درک بین‌المللی کمک کنند و روابط بین‌المللی را بهبود بخشند. مطالبی که در خدمت صلح و تفاهم بین‌المللی باشد، مورد حمایت طرفداران یونسکوایی نظم نوین اطلاعات جهانی و رهبران جهان سوم است.

در اینجا یک سؤال مهم مطرح می‌شود: آیا اخبار مندرج در روزنامه‌های

■ **براساس یافته‌های یک پژوهش، از آنجا که ترقی و پیشرفت امری معمول در جوامع غربی است، شکست‌ها و ناکامی‌ها دارای ارزش خبری می‌شوند، ولی در جوامع جهان سوم، آموزش عمومی و کمک به سازندگی، هدف اصلی «خبر» است.**

جهان سومی، خبر را وسیله‌ای برای پیشرفت اهداف دولت می‌دانند.

متعاقب پرسش اول، سؤال دیگری پیش می‌آید: بدون در نظر گرفتن آنچه روزنامه‌نگاران می‌گویند، آیا روزنامه‌ها واقعاً حاوی مطالبی هستند که روزنامه‌نگاران می‌خواهند؟

به نظر می‌رسد که کمبود تحقیقات جامع، نظام یافته و مقایسه‌ای در ابعاد نظری و عملی در مورد مطبوعات غرب و جهان سوم کاملاً احساس می‌شود. تحقیقاتی که نشان می‌دهد آیا روزنامه‌ها واقعاً اخباری را پخش می‌کنند که مورد نظر روزنامه‌نگاران است.

اگر چه تحقیقاتی وجود دارد که ملاک‌های خبری را که دروازه‌بانان را در انتخاب اخبار به‌طور کلی هدایت می‌کند،

علاقی انسانی، مجاورت، شهرت، برخورد، تازگی، بداعت، و کشش و جذابیت تعریف می‌کنند (هسریس و همکاران<sup>۴۲</sup>، ۱۹۹۵؛ هوک<sup>۴۳</sup>، ۱۹۹۴؛ کسلر و مک دونالد<sup>۴۴</sup>، ۱۹۸۹؛ مارتین و چاود هری<sup>۴۵</sup>، ۱۹۸۳؛ استیونسون و شاو، ۱۹۸۴). ملاک «منفی‌گرایی» هم در تعریف غربی از خبر دارای اهمیت زیادی است (بوئه<sup>۴۶</sup>، ۱۹۸۶؛ باکالو<sup>۴۷</sup>، ۱۹۷۴؛ گالتونگ و روز<sup>۴۸</sup>، ۱۹۷۰؛ لوری<sup>۴۹</sup>، ۱۹۷۱؛ میلر<sup>۵۰</sup>، ۱۹۷۷؛ پترسون، ۵۱، ۱۹۸۱). از آنجا که ترقی و پیشرفت، امری معمول در جوامع غربی است، شکست‌ها و ناکامی‌ها دارای ارزش خبری می‌شوند، زیرا امری غیرعادی هستند (شون باخ، ۵۲، ۱۹۸۳).

روزنامه‌نگاران جهان سوم از زاویه دیگری به مقوله خبر نگاه می‌کنند. تأکید

روشن می‌کند، اما تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته که محصول نهایی کار روزنامه‌نگاران را ارزیابی کند و ببیند که ملاک‌های تازگی، مجاورت، شهرت برخوردار و غیره، آیا واقعاً در عمل مورد استفاده روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرد یا نه.

چند سال پیش، استمپل<sup>۶۱</sup> (۱۹۶۳) با استفاده از تحلیل عاملی به مطالعه اخبار پرداخت. او اخبار ملی را در ۲۵ روزنامه مورد بررسی قرار داد. تحلیل عاملی او به شش ویژگی خبر یعنی برخورد، سوءظن، امور عمومی، علایق انسانی، تازگی، مثبت‌گرایی و مباحثات سیاسی پرداخت. (جانت بریج ۱۹۸۹) صفحات اول ۱۰۱ روزنامه آمریکایی را بررسی کرد تا ببیند که آیا ارزش‌های خبری مجاورت، تازگی، شهرت، دربرگیری، برخورد، فراوانی تعداد و مقدار و عجیب و استثنایی به چه میزان در انتخاب روزنامه‌نگاران دخیل بوده‌اند. نتایج تحقیق بریج نشان داد که ارزش «تازگی» مهمترین عامل در انتخاب خبر صفحه اول به‌شمار می‌رود و پس از آن ارزش شهرت، و در مرحله سوم، مجاورت و در مرحله چهارم، برخورد ارزش‌های مطرح شده در صفحه اول روزنامه‌ها هستند. ناگفته نماند که هر دو مطالعه، به روزنامه‌های آمریکایی محدود شده بودند. (شومیکر،<sup>۶۲</sup> چانگ<sup>۶۳</sup> و برند لینگر<sup>۶۴</sup>).

این محققان عواملی را که باعث می‌شد یک خبر در رسانه‌های آمریکا تحت پوشش قرار بگیرد، شناسایی کردند. آنها با ۲۷۹ نفر از سردبیران شاغل در سراسر آمریکا مصاحبه کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل زیر در انتخاب اخبار بین‌المللی نقش اساسی دارند: تهدید برای آمریکا و صلح جهانی، پیش‌بینی علایق خوانندگان و هر موضوعی که آمریکا به نحوی در آن درگیر باشد. به‌هرحال، همه این مطالعات به روزنامه‌های آمریکایی محدود می‌شود و

هیچ مطالعه نظری و عملی درباره مقایسه روزنامه‌های جهان سوم و غرب صورت نگرفته است.

در مقایسه محتوای خبری کشورهای مختلف، چند محقق فقط به بررسی میزان پوشش خبری اخبار خارجی پرداخته‌اند تا ببینند که آیا روزنامه‌های مختلف در سراسر دنیا با هم مشابه یا متفاوت هستند. (اتسوود<sup>۶۵</sup>، ۱۹۸۷؛ گریبنرومروانی،<sup>۱۹۷۷</sup>؛ هوهنبرگ<sup>۶۶</sup>، ۱۹۶۹؛ انستیتیوی مطبوعات بین‌المللی<sup>۶۷</sup>، ۱۹۵۳؛ مارکهام<sup>۶۸</sup>، ۱۹۶۱؛ ولز و کینگ<sup>۶۹</sup>، ۱۹۹۲).

ایس شباهت‌ها و تفاوت‌ها تا حد زیادی، شکل ظاهری روزنامه‌ها و نوع اخباری را که در نظام‌های مختلف مطبوعاتی اولویت دارند، مشخص

احساسات مردم را برمی‌انگیزد، تأکید می‌کنند، و تأکید افراطی بر اخبار منفی کشورهای پیشرفته در رسانه‌های خود دارند. اما تحقیقاتی هم صورت گرفته که نشان می‌دهد رسانه‌های غربی تنها روی اخبار منفی کشورهای جهان سوم انگشت نمی‌گذارند، از ارزش‌های خبری غربی پیروی نمی‌کنند، بیشتر اخبار توسعه را مدنظر دارند و همچنین بحران - محور هم نیستند.

در یک کلام، ارزیابی کارآیی این‌گونه مباحثات تا زمانی که تحقیقات جامع، گسترده و مقایسه‌ای صورت نگیرد، کار دشواری است. از این گذشته، مروری بر ادبیات موضوع، نشان‌دهنده شکاف عظیمی در مطالعات مربوط به جریان

### ■ در بررسی صفحات اول ۱۰۱ روزنامه آمریکایی، معلوم شد که ارزش خبری «تازگی»، مهم‌ترین عامل در انتخاب خبر صفحه اول به‌شمار می‌رود و پس از آن ارزش «شهرت» و در مرحله سوم، «مجاورت» و سپس «برخورد»، ارزش‌های مطرح شده در صفحات اول روزنامه‌های آمریکایی هستند.

می‌کند. بنابراین، این‌گونه مطالعات، فقط می‌تواند نقطه آغازی برای مطالعات مقایسه‌ای باشد. این‌گونه مطالعات، ماهیت محتوا را بررسی نمی‌کنند. مثلاً به دنبال این نیستند که محتوای مطلب مثبت است یا منفی.

محققان دیگری، محتوای رسانه‌های غربی و جهان سوم را جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. محققان غربی در بررسی مطبوعات غربی به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های غرب، حتی در پوشش خبری دادن به غرب نیز منفی‌گرا هستند. محققانی هم که محتوای روزنامه‌های جهان سوم را به‌طور جداگانه، تحلیل کرده‌اند دریافته‌اند که آنها هم نیز اخبار بد را به نمایش می‌گذارند، روی فجایع، اخبار ناگوار و اموری که

اخبار بین‌المللی است. در مورد نحوه پوشش خبری در جهان سوم، تحقیقات بسیار کمی انجام شده، تحقیقات انجام شده در مورد نحوه پوشش خبری جهان سوم در میان خود کشورهای جهان سوم است. علاوه بر آزمون محتوای رسانه‌ها، مهم است که بدانیم چرا به بعضی رخدادهای بین‌المللی پوشش خبری داده می‌شود و به بعضی نه. به نظر روزنگرن<sup>۷۰</sup> (۱۹۷۷:۶۷)، «هدف از مطالعه اخبار بین‌المللی باید توصیف باشد». در پژوهشی در مورد «عوامل تعیین‌کننده در پوشش خبری اخبار بین‌المللی در رسانه‌های آمریکا»، چانگ و شومیکر و برندلینگر (۱۹۸۷)، رویکرد رویداد-محور را برای مطالعه خود انتخاب کردند آنها متغیرهایی را که به بهترین وجه معلوم

■ **براساس یافته‌های یک پژوهش، سردبیران شاغل در روزنامه‌های سراسر آمریکا، هر موضوعی را که آمریکا به نحوی درگیر آن باشد، به عنوان «خبر» انتخاب می‌کنند.**

■ **نتایج این مطالعه، صحت اتهامات حامیان نظم نوین جهانی و توسعه ارتباطات را مبنی بر این‌که رسانه‌های غرب تأکید زیادی بر اخبار منفی در پوشش خبری حوادث جهان سوم دارند، ثابت کرد.**

می‌کرد کدام رویداد پوشش خبری می‌گیرد، مشخص کردند. این سه متغیر عبارت بودند از:

از نظر کیسینگ<sup>۲۱</sup> (۱۹۷۴)، اعضای یک فرهنگ هم در مورد فرهنگ دیدگاه یکسانی ندارند. ما از تئوری فرهنگی در تعامل با افراد و در تغییر پیام‌های رسانه‌ها، استفاده می‌کنیم. (ص ۸۹۰). تریا یندیس<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۵) و گودی کونست<sup>۲۳</sup> «تنوع فرهنگی» در ارتباطات را بررسی کردند. به گفته آنها، «شاخص اصلی در تنوع فرهنگی، همان فرهنگ جمع‌گرا - فردگراست. در فرهنگ فردگرا، نیازها، ارزش‌ها و اهداف فرد بر نیازها، ارزش‌ها و اهداف گروه برتری دارد. اما در فرهنگ جمع‌گرا، نیازها، ارزش‌ها و اهداف گروه بر نیازها، ارزش‌ها و اهداف فردی اولویت می‌یابد.

به نظر این دو نویسنده، کشورهای غربی در زمره فرهنگ‌های فردگرا قرار می‌گیرند و بخش عمده‌ای از کشورهای جهان سوم در فهرست فرهنگ‌های جمع‌گرا واقع می‌شوند. تحقیقات نشان داده است که کشورهایی که دارای زمینه‌های فرهنگی یکسان هستند، بهتر می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. دو تحقیق دیگر نیز در زمینه محتوای اخبار بین‌المللی به وسیله تسانگ<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۲) و کاسارا<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۳) انجام گرفت.

تسانگ برای این‌که تمام ویژگی‌های کشورها را مدنظر قرار دهد اصطلاح «قربان اجتماعی» را به کار برد. به نظر او قربان اجتماعی عامل قابل اعتمادی در پیش‌بینی کمی و کیفی عکس‌های خبری

ربط موضوع به ایالات متحده آمریکا، داشتن توان بالقوه برای تغییرات اجتماعی و فاصله جغرافیایی. آنها توضیح دادند که بحران‌ها یا برخوردها با هنجارها و تغییرات اجتماعی رابطه نزدیکی دارند. «اگر رویدادی وضع موجود یک کشور را تهدید کند و یا به خطر بیندازد، به احتمال زیاد، آن رویداد می‌تواند یک کودتا یا اغتشاش و آشوب باشد و به همین ترتیب می‌تواند تغییر اجتماعی را موجب شود. (ص ۴۱۱). این تحقیق روشن کرد که چرا بعضی از رویدادها در رسانه‌های غرب منعکس می‌شوند و بعضی دیگر، انعکاس رسانه‌ای نمی‌یابند. این مطالعه هم به ایالات متحده محدود می‌شد. به نظر می‌رسد، ضروری است پژوهش در سطح جهان انجام شود و پوشش خبری رویدادها را در کشورهای مختلف با هم مقایسه کند و ببیند که آیا به رویدادهای مشابه پوشش خبری مشابه (مثبت یا منفی) در گوشه و کنار دنیا داده می‌شود یا نه.

عامل مهم دیگر در مطالعات ارتباطات جهانی، عامل «فرهنگ» است. در چندین مطالعه، فرهنگ و ارتباطات یکسان دیده شده است. بنابراین دانستن این نکته مفید خواهد بود که آیا فرهنگ در انتخاب نوع خاصی از خبر نقشی ایفا می‌کند. در اوایل ۱۹۵۲، هال در این رابطه نوشت «فرهنگ، همان ارتباطات و

از یک کشور است. در مطالعه کاسارا که در مورد شش روزنامه منطقه‌ای آمریکا انجام شده بود، هیچ وجه اشتراک قومی یا فرهنگی که بتواند عامل تعیین‌کننده‌ای در چاپ اخبار خارجی باشد، پیدا نشد. این مطالعات، فقط نقطه آغازی برای تحلیل‌های مقایسه‌ای هستند. منظور آن دسته از تحلیل‌های مقایسه‌ای است که بتواند عامل «تنوع فرهنگی» را در انتخاب اخبار مورد آزمون قرار دهد و درک ما را از ارتباطات میان فرهنگی بهبود بخشد. نویسنده این مطلب تاکنون به هیچ تحقیقی برنخورده است که ببیند آیا رسانه‌ها در فرهنگ‌های فردگرا تأکید بیشتری روی افراد و در فرهنگ‌های جمع‌گرا، تأکید بیشتری روی گروه می‌کنند یا نه.

این تحقیق در پی آزمون ماهیت محتوای رسانه‌هاست و می‌خواهد بداند در فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا، تمرکز بیشتر روی افراد و گروه‌هاست یا نه. تمرکز روی رویدادها چگونه است و آیا پوشش خبری مثبت است یا منفی؟ نتایج این تحقیق را می‌توان در یک چارچوب نظری وسیع قرار داد.

هدف اصلی این پژوهش مقایسه‌ای آن است که مشخص کنیم آیا رسانه‌های غربی در پوشش خبری خود از جهان سوم مغرضانه‌تر عمل می‌کنند یا رسانه‌های جهان سومی در پوشش خبری خود از غرب.

از آنجا که روزنامه‌نگاران غربی اخبار را برحسب ارزش‌های خبری، جذابیت، مجاورت، شهرت، برخورد، نبودن، علایق انسانی و تازگی تعریف می‌کنند و روزنامه‌نگاران جهان سومی هم خبر را وسیله ارتقای سطح توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی ملت‌ها می‌بینند، صورت‌بندی این فرض منطقی خواهد بود که روزنامه‌نگاران غربی اخبار خود را بر مبنای ارزش‌های

خبری غربی انتخاب می‌کنند و روزنامه‌نگاران جهان سومی، با تأکید روی جنبه‌های مثبت سازندگی، به خبر نگاه می‌کنند.

به این ترتیب، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند:

فرضیه اول: در نسبت اخبار منفی چاپ شده در روزنامه‌های غربی و روزنامه‌های جهان سومی، تفاوت وجود خواهد داشت.

فرضیه دوم: روزنامه‌های غربی بیشتر حاوی اخبار منفی درباره کشورهای جهان سوم هستند تا اخبار مثبت.

فرضیه سوم: روزنامه‌های جهان سوم بیشتر به اخبار مثبت غرب می‌پردازند تا اخبار منفی.

این پژوهش علاوه بر آزمون شکایت طرفداران نظم نوین جهانی اطلاعات مبنی بر تأکید رسانه‌های غرب بر اخبار منفی جهان سوم، به آزمون محتوای روزنامه‌های غرب و جهان سوم نیز پرداخت تا ببیند که تمرکز آنها بر گروه‌ها و سازمان‌هاست یا بر افراد و رویدادها و آیا این تمرکز مثبت است یا منفی.

به نظر ویلیام گودی کونست (۱۹۹۷) و تریاندیس (۱۹۹۵)، در فرهنگ‌های فردگرا مثل آمریکا و انگلستان، نیازها، ارزش‌ها و اهداف افراد بر نیازها و ارزش‌ها و اهداف گروهی ارجح هستند و به عکس، در فرهنگ‌های جمع‌گرا مثل هند و نیجریه، نیازها، ارزش‌ها و اهداف گروهی بر نیازها، ارزش‌ها و اهداف فردی برتری می‌یابند. از آنجا که انتظار می‌رود که اخبار جهان سوم در خدمت آموزش عمومی و کمک به توسعه و سازندگی باشد، چنین فرض می‌شود که تأکید اخبار روزنامه‌های جهان سومی باید روی فرآیندها و کل جامعه باشد نه روی افراد. در حالی که در کشورهای غربی که دلمشغولی بیشتری نسبت به مردم و فعالیت‌هایشان وجود دارد، تأکید بیشتر باید بر مردم و

فعالیت‌هایشان باشد. بنابراین، فرضیه‌های زیر را می‌توان صورت‌بندی کرد:

فرضیه چهارم: روزنامه‌های جهان سوم، حاوی اخبار بیشتری از گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها هستند تا «افراد».

فرضیه پنجم: روزنامه‌های غربی، حاوی اخبار بیشتری از «افراد» هستند تا گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها.

روزنامه‌های غربی و جهان سومی در مورد رویدادها تفاوتی وجود ندارد.

#### روش تحقیق

برای مشخص شدن این موضوع که آیا غرب در پوشش خبری دادن به کشورهای جهان سوم مغرضانه‌تر عمل می‌کند یا جهان سوم در پوشش خبری دادن به

■ همراه با روند رو به رشد جهانی‌شدن، نقش ارتباطات بازرزتر از همیشه شده است و بسیاری از محققان بر لزوم پرداختن به مطالعات مقایسه‌ای در عصر تحولات سریع جهانی تأکید می‌کنند.

غرب، چهار روزنامه نخبه‌گرای انگلیسی زبان از چهار کشور ایالات متحده آمریکا، انگلیس، نیجریه و هند به مدت یک هفته آماری مورد مطالعه قرار گرفتند.

آمریکا و انگلیس به این دلیل انتخاب شدند که هر دو از بزرگ‌ترین صادرکنندگان اطلاعات در جهان هستند. آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده اطلاعات در جهان و انگلستان بزرگ‌ترین تولیدکننده اطلاعات در اروپای غربی است. هند، به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان، دارای تأثیرگذارترین مطبوعات در کشورهای در حال توسعه است و نیجریه بزرگ‌ترین کشور آفریقا، بیشترین تعداد روزنامه‌ها را در میان کشورهای آفریقایی دارد.

علاوه بر این، از آنجا که روزنامه‌های انتخاب شده در پایتخت کشورهای مزبور منتشر می‌شوند و سفارتخانه‌های خارجی هم معمولاً در پایتخت قرار دارند، چنین فرض شده که این روزنامه‌ها به اخبار سایر کشورها، پوشش کاملی می‌دهند. از طرفی، تمام این روزنامه‌ها به‌طور دائمی از اخبار خبرگزاری‌ها استفاده می‌کنند. از نظر فرهنگی هم این کشورها به بهترین

فرضیه ششم: تفاوتی میان نسبت اخبار «رویدادها» در روزنامه‌های غربی و جهان سومی وجود ندارد.

در کشورهای جهان سوم، روزنامه‌نگاران از طرف دولتمردان به گزارش اهداف مثبت توسعه‌ای سوق داده می‌شوند تا به این ترتیب به سازندگی و توسعه ملی کمک کنند. بنابراین، تأکید بیشتر باید روی اخبار مثبت درباره فرآیندها، افراد و رویدادها باشد. از طرف دیگر، در کشورهای غربی، رسانه‌ها در انتقاد از اعمال دولت و دولتمردان درنگ نمی‌کنند و تأکید آنها بیشتر روی اخبار منفی است. اگر این حرف‌ها در تئوری و عمل درست باشد، فرضیه‌های زیر نیز می‌تواند درست باشد:

فرضیه هفتم: روزنامه‌های جهان سوم بیشتر حاوی مطالب مثبت و روزنامه‌های غربی، بیشتر حاوی مطالب منفی درباره سازمان‌ها، گروه‌ها و ملت‌ها هستند.

فرضیه هشتم: روزنامه‌های جهان سوم بیشتر حاوی مطالب مثبت و روزنامه‌های غربی بیشتر حاوی مطالب منفی درباره «افراد» هستند.

فرضیه نهم: میان جهت‌گیری

جدول شماره ۱. جدول دوتبعدی بین روزنامه‌ها و جهت‌گیری مطالب

| مفنی           | مثبت           | واشنگتن‌پست    |
|----------------|----------------|----------------|
| ۳۹۶<br>(%۲۸/۹) | ۳۸۱<br>(%۲۷/۸) | ۵۹۵<br>(%۲۳/۴) |
| ۲۰۲<br>(%۲۷/۱) | ۲۱۱<br>(%۲۷/۲) | ۶۷۳<br>(%۲۵/۳) |
| ۳۶۵<br>(%۳۲/۷) | ۳۲۵<br>(%۳۰)   | ۳۹۴<br>(%۲۶/۳) |
| ۱۴۹<br>(%۳۰/۷) | ۱۵۴<br>(%۳۱/۷) | ۱۸۳<br>(%۲۷/۷) |

$$X^2 = 27/733$$

$$df = 6$$

$$P > 0/0001$$

دارای جهت‌گیری منفی بودند. به‌طور کلی، سهم اخبار خنثی در همه روزنامه‌ها بیش از اخبار مثبت و منفی بود. و تأکید جغرافیایی اکثر مطالب بر دنیای غرب بود (%۶۱/۷).

بدون در نظر گرفتن موضوع مطلب، اکثر مطالب، درباره گروه‌ها سازمان‌ها و ملت‌ها بودند (%۶۶/۱). مطالبی که محتوایشان «مردم» بودند، %۲۲/۱ درصد و مطالبی که محتوایشان «رویداد» بود، %۱۱/۹ درصد مطالب را تشکیل می‌دادند.

جدول شماره ۲. جهت‌گیری مثبت و منفی در روزنامه‌های غربی و جهان سوم

| مثبت           | منفی           | روزنامه‌های غربی     |
|----------------|----------------|----------------------|
| ۷۹۲<br>(%۴۹/۸) | ۷۹۸<br>(%۵۰/۲) | روزنامه‌های جهان سوم |
| ۳۷۹<br>(%۴۸/۲) | ۵۱۴<br>(%۵۱/۸) |                      |

$$X^2 = 0/605$$

$$df = 1$$

$$P > 0/005$$

به این ترتیب، اولین فرضیه که مبین تفاوت در نسبت اخبار منفی چاپ شده در روزنامه‌های غرب و جهان سوم بود، رد شد. (زیرا کای اسکوتر ۰/۶۰۵ در درجه آزادی ۱، معنی‌دار نیست).

با توجه به جدول فوق، دومین فرضیه که می‌گفت روزنامه‌های غربی بیش از روزنامه‌های جهان سوم، شامل اخبار منفی از جهان سوم هستند، مورد تأیید قرار گرفت (کای اسکوتر ۴/۷۲۴ با درجه آزادی ۱، در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است) هر دو روزنامه غربی - واشنگتن پست و تایمز لندن - حاوی اخبار منفی بیشتری از

آزمون‌های کای اسکوتر محاسبه شده نشان می‌دهند که آیا تفاوت معنی‌داری بین فراوانی‌های به دست آمده از روزنامه‌های غربی با فراوانی‌های به دست آمده از روزنامه‌های جهان سوم در هر یک از متغیرها وجود دارد یا نه. در این پژوهش، سطح آلفا به عنوان سطح معنی‌داری، %۰/۵ در نظر گرفته شد.

در این پژوهش، همچنین درصد فراوانی‌های محاسبه شده نشان می‌دهد که نسبت پوشش اختصاص داده شده به هر مقوله در روزنامه‌های غربی چقدر از نسبت اختصاص داده شده به هر مقوله در روزنامه‌های جهان سوم، بیشتر یا کمتر است.

یافته‌ها

در این تحقیق، در مجموع ۴۴۲۸ مطلب از ۲۴ شماره روزنامه غربی و جهان سوم مورد تحلیل قرار گرفتند از این مقدار (۴۴۲۸)، ۲۸۵۸ مورد یا ۶۴/۵ درصد مطالب در روزنامه‌های غربی و ۱۵۷ یا ۳۵/۵ درصد در روزنامه‌های جهان سوم به چاپ رسیده بودند. روزنامه تایمز لندن، دارای بیشترین تعداد مطلب بود (۱۴۸۶ مورد یا ۳۳ درصد).

در این جدول، مطالب روزنامه‌ها برحسب «جهت‌گیری» طبقه‌بندی شدند. از کل مطالب مورد بررسی، %۴۱/۷ درصد، دارای جهت‌گیری خنثی، %۲۸/۷ درصد دارای جهت‌گیری مثبت و %۲۹/۶ درصد

وجه نماینده فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا هستند. هند و نیجریه، سمبل فرهنگ جمع‌گرایی و آمریکا و انگلستان، نماینده فرهنگ فردگرایی هستند. اگرچه ممکن است اخبار مندرج در این چهار روزنامه انتخاب شده، نمونه خوبی از اخبار مندرج در روزنامه‌های غرب و جهان سوم نباشد، ولی این‌ها خبرهایی هستند که احتمالاً افراد با تحصیلات متوسط در هر کشور، آنها را می‌خوانند.

چهار روزنامه انتخاب شده عبارتند از: واشنگتن‌پست از آمریکا، تایمز از انگلیس، تایمز اوپیندیا از هند و دیلی تایمز از نیجریه. یکی از علل انتخاب این روزنامه‌ها، تیراژ بالا و علت دیگر آن بود که این روزنامه‌ها نماینده چهار کشوری هستند که در آن‌ها، زبان انگلیسی زبان اصلی است.

دو کدگذار، برای کدگذاری این روزنامه‌ها آموزش دیدند. واحد تحلیل، «هر مطلب خبری» شامل خبر، گزارش، سرمقاله، مقالات خاص، ستون‌نامه به سردبیر و سایر مطالب مرتبط بود. محتوای روزنامه‌های مورد مطالعه برحسب جهت‌گیری مثبت، منفی و خنثی، مورد مطالعه قرار گرفتند.

ضریب قابلیت اعتماد این پژوهش، یعنی میزان توافق دو کدگذار با هم، ۹۱/۲۵ درصد بود.

هنگام تحلیل داده‌ها بین تمام متغیرها (مجاورت جغرافیایی، جهت‌گیری مطلب، محتوای مطلب، و نوع مطلب) و روزنامه‌ها، جداول دوتبعدی محاسبه شد تا رابطه بین هر متغیر با روزنامه‌های مورد مطالعه مشخص شود.

جداول دوتبعدی دیگری نیز رابطه بین هر یک از متغیرها را با توزیع جغرافیایی روزنامه‌ها مورد سنجش قرار می‌داد مثلاً یک جدول نشان می‌دهد که روزنامه‌های غربی به چه میزان از روزنامه‌های جهان سوم متفاوت هستند.

جدول شماره ۳. جهت‌گیری مثبت و منفی در روزنامه‌های غربی و جهان‌سوم درباره جهان‌سوم

|                       | مثبت           | منفی           |
|-----------------------|----------------|----------------|
| روزنامه‌های غربی      | ۲۸<br>(%۲۸/۴)  | ۷۷<br>(%۶۱/۶)  |
| روزنامه‌های جهان‌سومی | ۲۲۵<br>(%۴۸/۸) | ۲۵۷<br>(%۵۱/۲) |
|                       | $df=1$         | $X^2=4/774$    |
|                       | $P<0/05$       |                |

جهان‌سوم بودند (۵۴/۴ و ۶۵/۴ درصد). سومین فرضیه هم که اخبار مثبت روزنامه‌های جهان‌سوم درباره غرب را بیش از اخبار منفی آنها می‌دانست، تأیید نشد. به این معنی که روزنامه‌های جهان‌سومی بیشتر، اخبار منفی درباره غرب را پوشش داده بودند و این امر برخلاف انتظار بود. در این تحقیق مشخص شد که اخبار منفی روزنامه نیجریه‌ای دیلی تایمز در مورد غرب دو برابر اخبار مثبت این روزنامه است (۶۶/۷ درصد اخبار منفی و ۳۳/۳ درصد اخبار مثبت)

جدول شماره ۴. جهت‌گیری مثبت و منفی در روزنامه‌های غربی و جهان‌سومی درباره غرب

|                       | مثبت         | منفی         |
|-----------------------|--------------|--------------|
| روزنامه‌های غربی      | ۷۲۳<br>(%۵۱) | ۶۹۴<br>(%۴۹) |
| روزنامه‌های جهان‌سومی | ۳۱<br>(%۴۳)  | ۴۱<br>(%۵۷)  |
|                       | $df=1$       | $X^2=1/741$  |

چهارمین فرضیه که بیان می‌کرد روزنامه‌های جهان‌سوم بیش از روزنامه‌های غربی اخبار مربوط به گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها را پوشش می‌دهند، مورد تأیید قرار گرفت.

۲۷/۷ درصد مطالب روزنامه‌های جهان‌سوم درباره گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها بود و ۱۹/۲ درصد مطالب آنها در مورد افراد.

به این ترتیب، فرضیه شماره ۵ هم که می‌گفت روزنامه‌های غربی بیشتر به اخبار مربوط به افراد می‌پردازند تا اخبار مربوط به گروه‌ها و سازمان‌ها، مورد تأیید قرار

نگرفت. برعکس، روزنامه‌های غربی هم بیشتر تمایل به درج اخبار مربوط به گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها را دارند (۶۲/۴ درصد مطالب).

فرضیه ششم که یک فرضیه خنثی بود و بیان می‌کرد بین روزنامه‌های غربی و جهان‌سومی از نظر پرداختن به رویدادها تفاوتی وجود ندارد، مورد تأیید قرار نگرفت و رد شد. ۱۴ درصد مطالب روزنامه‌های غربی، حول محور «رویداد»ها بود، در حالی که فقط ۸ درصد مطالب روزنامه‌های جهان‌سومی، به رویدادها می‌پرداخت.

فرضیه‌های هفتم و هشتم که می‌گفتند روزنامه‌های جهان‌سوم بیشتر به اخبار مثبت و روزنامه‌های غربی بیشتر به اخبار منفی گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها می‌پردازند، تأیید نشدند. برعکس، روزنامه‌های جهان‌سوم بیشتر به اخبار منفی پرداخته بودند و روزنامه‌های غربی، تقریباً به یک میزان دارای اخبار مثبت و منفی درباره افراد بودند.

بررسی تک تک روزنامه‌ها نشان داد که هر دو روزنامه جهان‌سومی، سهم کمتری از اخبار مثبت درباره افراد دارند. از روزنامه‌های غربی، «واشنگتن پست» نگرش منفی تری نسبت به «افراد» داشت، در حالی که، «تایمز لندن» دارای اخبار مثبت بیشتری نسبت به «افراد» بود.

جدول شماره ۵. جهت‌گیری مثبت و منفی روزنامه‌های غربی و جهان‌سوم درباره «افراد»

|                       | مثبت           | منفی           |
|-----------------------|----------------|----------------|
| روزنامه‌های غربی      | ۲۰۵<br>(%۵۰/۱) | ۲۰۴<br>(%۴۹/۹) |
| روزنامه‌های جهان‌سومی | ۸۰<br>(%۳۷/۶)  | ۱۳۳<br>(%۶۲/۴) |
|                       | $df=1$         | $X^2=8/9$      |
|                       | $P<0/05$       |                |

فرضیه شماره ۹ هم که یک فرضیه خنثی بود و بیان می‌کرد که بین جهت‌گیری مثبت و منفی درباره «رویداد»ها تفاوت معنی‌داری بین روزنامه‌ها وجود ندارد، مورد تأیید واقع شد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

طرفداران نظریه نظم نوین جهانی اطلاعات، رهبران جهان‌سوم و حامیان توسعه ارتباطات به‌طور خاص، رسانه‌های غرب را متهم به تأکید بر جنبه‌های منفی اخبار جهان‌سوم می‌کنند. به این دلیل، این پژوهش، جهت‌گیری روزنامه‌های غربی و جهان‌سوم را مورد آزمون قرار داد تا اعتبار این اتهامات را مشخص کند. نتایج این مطالعه، صحت اتهامات حامیان نظم نوین جهانی و توسعه ارتباطات را مبنی بر این که رسانه‌های غرب تأکید زیادی بر اخبار منفی در پوشش خبری حوادث جهان سوم دارند، اثبات کرد:

روزنامه‌های غربی بیشتر حاوی اخبار منفی درباره جهان‌سوم بودند تا اخبار مثبت. بنابراین، در تأیید انتقادات دیرین حامیان نظم نوین جهانی، اخبار منفی رسانه‌های غرب در مورد جهان‌سوم کاهش چشمگیری نداشته و موقعیت تغییری نکرده است.

هدف فرعی این تحقیق آن بود که ببینیم آیا روزنامه‌های جهان‌سوم هم در پوشش خبری دادن به غرب تأکیدی افراطی بر اخبار منفی دارند یا نه. یافته‌ها حاکی از آن است که روزنامه‌های جهان‌سوم هم تمایل دارند که بیشتر به اخبار منفی کشورهای توسعه یافته بپردازند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که هم روزنامه‌های غربی و هم روزنامه‌های جهان‌سومی، بیشتر تمایل دارند که به اخبار منفی یکدیگر بپردازند. به عبارت دیگر، در پوشش خبری دادن نوعی تعصب بومی‌گرایانه در هر دو گروه مورد بررسی وجود دارد. به‌هرحال، در مورد تفاوت‌های فرهنگی، فقط می‌توان دست به گمانه‌زنی‌های خاص زد، زیرا ملت‌ها در ابعاد مختلف با هم متفاوت هستند.

همان‌طور که مک لئود و بلومر (۱۹۸۷) بیان کرده‌اند: «مشخص کردن این



موضوع که آیا تفاوت‌ها را می‌توان به زبان، نظام‌های سیاسی، سنت‌های فرهنگی، توسعه اقتصادی یا ترکیبی از آنها نسبت داد یا نه، تبدیل به مسأله شده است.» (صص ۳۱۶-۳۱۵).

منتقدان رسانه‌ها هم مانند بینندگان و خوانندگان آمریکایی براین باورند که رسانه‌های غرب در مورد پوشش خبری دادن به غرب نیز منفی‌گرا هستند؛ یعنی همان رویه‌ای را که در مورد سایر نقاط جهان اعمال می‌کنند، در مورد خود غرب نیز به کار می‌برند.

پژوهش حاضر، صحت این گفته‌ها را تأیید نکرد. جهت‌گیری خبری روزنامه‌های غربی در مورد جهان غرب بیشتر خنثی بود و تفاوتی میان جهت‌گیری مثبت و منفی در مورد اخبار غربی دیده نشد. یافته‌های این پژوهش، از نظرات حامیان نظم نوین جهانی اطلاعات حمایت می‌کند که معتقدند مطبوعات غربی جنبه‌های منفی کشورهای جهان سوم را برجسته می‌کنند.

از آنجا که اتهام پرداختن به اخبار منفی در مورد خود کشورهای جهان سوم هم مطرح است، این مطالعه جهت‌گیری روزنامه‌های جهان سومی را درباره جهان سوم مورد آزمون قرار داد تا صحت این اتهامات را مشخص کند. نتایج حاکی از آن است که روزنامه‌های جهان سوم توزیع مناسبی از مطالب مثبت، منفی و خنثی را دارا هستند. بنابراین، این انتقاد که جهان سومی هم اخبار منفی خود را برجسته می‌کنند، وارد نیست. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که نه مطبوعات غربی و نه مطبوعات جهان سومی، تأکید افراطی بر اخبار منفی خود ندارند. در حقیقت همه روزنامه‌ها بیشتر حاوی اخبار خنثی هستند تا مثبت یا منفی.

به‌طور کلی، اتهامات وارد بر روزنامه‌های جهان سوم و غربی مبنی بر تأکید افراطی بر جنبه‌های منفی اخبار

داخلی خودشان، توسط یافته‌های این پژوهش تأیید نشد. در مورد انتقاد حامیان نظم‌نوین جهانی اطلاعات درباره عدم تعادل کمی در پوشش خبری جهان سوم، یافته‌ها حاکی از آن است که مطبوعات غرب در عمل توجه کمتری به اخبار جهان سوم نسبت به اخبار غرب، مبذول می‌کنند. تنها ۶/۱ مطالب روزنامه‌های غرب درباره جهان سوم بودند و روزنامه واشنگتن پست کمترین سهم را در این مورد داشت.

بنابراین مطبوعات غرب و به‌طور خاص مطبوعات آمریکا (چون واشنگتن پست بیشتر از تمام روزنامه‌های آمریکا حاوی اخبار بین‌المللی است)، تمایل به چشم پوشی از حوادث جهان سوم را دارند. دلیل این امر می‌تواند توجه خاص مطبوعات غربی به ارزش خبری «مجاورت جغرافیایی» باشد، بخصوص که اکثر روزنامه آمریکایی، محلی هستند. جالب اینجاست که اخبار غرب نیز در مطبوعات جهان سوم کمتر از خبرهای مربوط به خود جهان سوم چاپ می‌شوند. تنها ۸/۵ درصد مطالب چاپ شده در روزنامه‌های جهان سوم درباره غرب بودند بنابراین، ارزش خبری «مجاورت جغرافیایی» عامل مهمی در انتخاب خبر در کشورهای جهان سوم نیز هست.

شرام (۱۹۸۰) و استیونسون و کول (۱۹۸۴) هم در مطالعات خود به نتایج مشابهی دست یافته بودند.

براساس این یافته‌ها می‌توان به یک نتیجه منطقی رسید و آن این‌که اخبار هر منطقه‌ای برای مردم آن منطقه بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین، احتمال این‌که مطلبی درباره آفریقا در روزنامه آفریقایی و یا مطلبی درباره آمریکا در یک روزنامه آمریکایی به چاپ برسد، خیلی بیشتر است.

اگر چه کار اصلی این پژوهش، بررسی شکایات طرفداران نظم نوین جهانی

اطلاعات در مورد تأکید بر اخبار منفی بود، این مطالعه همچنین محتوای خبری روزنامه‌های غرب و جهان سوم را هم مورد مطالعه قرار داد تا مشخص کند که آنها بیشتر بر اخبار مربوط به گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها تکیه می‌کنند یا به اخبار مربوط به افراد و حوادث و آیا این تمرکز مثبت است یا منفی. دو فرض مهم در اینجا مطرح می‌شود. فرض اول این‌که نقش رسانه‌ها در کشورهای جهان سوم، گزارش اهداف مثبت دولت است که منتج به سازندگی می‌شود، در حالی که فرض دوم بنا را بر این می‌گذارد که رسانه‌های غربی نگران مردم هستند و در انتقاد از دولت و دولتمردان لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهند. هر دو این فرض‌ها، تا حد خیلی جزئی در این مطالعه تأیید شد.

اگر چه انتظار می‌رفت که تأکید مطبوعات جهان سوم بیشتر باید روی «فرآیند»ها و جامعه باشد تا افراد و فعالیت‌هایشان، تحلیل محتوا این فرض را تأیید نکرد. روزنامه‌های جهان سوم بیشتر حاوی مطالب مربوط به گروه‌ها، سازمان‌ها و ملت‌ها بودند تا مطالب مربوط به افراد. برخلاف انتظار که تصور می‌شد مطبوعات غرب بیشتر بر افراد و فعالیت‌هایشان تأکید می‌کند، روزنامه‌های غرب نیز بیشتر حاوی اخبار مربوط به گروه‌ها و سازمان‌ها بودند تا اخبار مربوط به افراد. بنابراین، نظریه‌هایی که توسط تریاندیس (۱۹۹۵) و گودی کونست (۱۹۹۷) ارائه شده بود مبنی براین که در فرهنگ‌های فردگرا (مثل آمریکا و انگلستان)، نیازها، ارزش‌ها و اهداف افراد بر نیازها، ارزش‌ها و اهداف گروه ارجحیت دارد، به‌نظر، درست نمی‌آید حداقل تا زمانی که یافته‌های این پژوهش، اهمیت خود را حفظ کرده‌اند. وانگهی، این فرض که روزنامه‌های جهان سوم بیشتر حاوی مطالب مثبت و روزنامه‌های غرب بیشتر حاوی مطالب منفی هستند نیز تأیید نشد.

9. Carroll and Tuggle
10. Chopra
11. Epstein
12. Gieber
13. Glasgow University Media Group
14. Graber
15. Hall
16. Hartung and Stone
17. Haskins
18. Miller
19. Jaehnic et al
20. Mau Shart
21. Mishra
22. Stone and Grusin
23. Watten berg
24. Wein berger et al
25. Golding and Elliot
26. Lent
27. Stevenson and Gaddy
28. Tartarian
29. Weaver et al
30. Wilhoit
31. Gerbner
32. Marvany
33. Sreberny - Mohammadi
34. Qonzenbach
35. Arant
36. Augarten
37. Cross
38. Connell
39. Murdock
40. Oberschall
41. Gans
42. Harris et al.
43. Hough
44. Kessler and McDonald
45. Martin and Chaudhary
46. Bohle
47. Buckalew
48. Gallung and Ruye
49. Lowry
50. Miller
51. Peterson
52. Schoenbach
53. Aggar Wala
54. Braid and Valera
55. Mehta
56. Sar Kar
57. Quebral
58. Ainslie
59. Katz and Wedell
60. Tunstall
61. Stemple
62. Shoe Maker
63. Chang
64. Brendlinger
65. Atwood
66. Hohenberg
67. International Press Institue
68. Markham
69. Wells and King
70. Rossengren
71. Keesing
72. Triandis
73. Guddy Kunst
74. Tsang
75. Cassara

مهم‌تر از آن، این پژوهش به چهار روزنامه نخبه‌گرای انگلیسی‌زبان محدود شده بود که ظاهراً نقش رهبران فکری را در محدوده خود ایفا می‌کردند.

همه روزنامه‌های مورد بررسی، مستقل و تقریباً آزاد از کنترل دولتی بودند. این امر شاید در مورد سایر روزنامه‌های این کشورها صادق نباشد. مطالعه‌ای در مورد روزنامه‌های نخبه‌گرا به زبانی غیر از انگلیسی و یا روزنامه‌هایی که در نظام‌های سیاسی متفاوت منتشر می‌شوند، هم می‌توانست نتایج متفاوتی به بار آورد. بنابراین، تکرار این پژوهش باید ترکیب روزنامه‌های نخبه‌گرا و عمومی را که به زبان‌های مختلف و در نظام‌های سیاسی متفاوت منتشر می‌شوند، شامل شود.

نکته دیگر این که تأکید این پژوهش، روی رسانه‌های مکتوب بود. طبیعی است که مطالعه سایر رسانه‌ها در این مورد بسیار مفید باشد. انجام یک تحقیق مقایسه‌ای از همه رسانه‌ها، شامل اخبار خبرگزاری‌ها، رادیو و تلویزیون همچنین، بررسی تصاویر رسانه‌ها که بتواند به طور صحیح به انتقاد حامیان نظم نوین جهانی اطلاعات در مورد منفی‌گرایی رسانه‌های غربی پاسخ دهد، ضروری به نظر می‌رسد. علی‌رغم این محدودیت‌ها این مطالعه کاربردهای مهمی برای نظریه‌پردازان ارتباطی دارد. روش‌شناسی این مطالعه هم برای دانشمندان علوم ارتباطات حائز اهمیت است. یک تحقیق مقایسه‌ای از نظریه و عمل که می‌تواند مشخص کند آیا رسانه‌های غربی و جهان سوم حای آن مطالبی که ادعا می‌کنند هستند یا نه. □

منبع: Asian Journal of Communication

Volume 11, No 1, 2001

پی‌نویس‌ها:

1. NWIO
2. Allen and Hemnett
3. McLeod and Blumler
4. Zhu, et al
5. Hester
6. Nwosu
7. Riffe and Shaw
8. Wu

درست برعکس، روزنامه‌های جهان سومی بیشتر از روزنامه‌های غربی منفی‌گرا هستند. علت این امر را شاید بتوان به قوانین سخت‌گیرانه جاری درباره تهمت و افترا نسبت داد.

براساس یافته‌های این پژوهش، مطبوعات در کشورهای جهان سوم نیز در مورد انتقاد از دولت و دولتمردان تردید به خود راه نمی‌دهند. همچنین روزنامه‌نگاران لزوماً از رهبران یا دولت‌هایشان تبعیت نمی‌کنند و دستوراتی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آنها داده می‌شود که اخبار مثبت و اطمینان‌دهنده را در مورد کشور و مردم گزارش کنند، اجرا نمی‌کنند. شاید علت این امر در روزنامه‌های مورد بررسی این باشد که روزنامه‌های انتخاب شده برای این مطالعه، روزنامه‌های نخبه‌گرا و نسبتاً آزاد از کنترل دولتی بودند. بنابراین، تحت هیچ شرایطی حاضر به تأکید صرف بر اخبار پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها نبودند. فرضیه دیگری که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفت این بود که آیا روزنامه‌های غرب پیش از روزنامه‌های جهان سوم حاوی اخبار مربوط به رویدادها هستند یا نه. بنابراین یافته‌های به دست آمده، روزنامه‌های غرب پوشش خبری بیشتری به حوادث و رویدادها مثل فجایع، سوانح و بیماری‌ها می‌دهند. به هر حال، تفاوتی در جهت‌گیری مثبت یا منفی روزنامه‌ها در مورد اخبار حوادث دیده نشد. به این معنی که برخلاف ادعاها، مطبوعات غربی تأکید منفی خاصی بر روی اخبار حوادث ندارند.

پیشنهادها

هزینه، زمان و دلایل دیگری، نمونه‌گیری ما را به یک روزنامه از چهار کشور، محدود می‌کند. تحقیقی با نمونه بزرگ‌تر و شامل چندین کشور مختلف و در یک دوره طولانی‌تر زمانی، می‌تواند نتایج را به شکل معنی‌داری تغییر دهد.